

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رمضانیاٲ: روزگی/دریوزگی (صیام/افطار؛ Fasting/Panhandling):

دوستی و شادی

**Friendship and Felicity**

دوشنبه ۱۷ - ۰۹ - ۱۴۴۱؛ ۲۲ - ۰۲ - ۱۳۹۹؛ ۱۱ - ۰۵ - ۲۰۲۰

# دوستی و شادی

## رحمت واسعه الهی

آیاتی از قرآن کریم:

- الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَ عِلْمًا فَآغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۴۰:۷ غافر) (فرشتگانی که حمل می کنند عرش را و آنها که گرداگرد آن می باشند تسبیح می کنند به حمد پروردگارشان، و ایمان می دارند به او، و طلب مغفرت می کنند برای آنان که ایمان آوردند [بدین سان]: پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است، پس مغفرت فرما را که توبه کردند و راه تو را پیروی نمودند، و آنان را از عذاب دوزخ محفوظ دار!)
- وَ قِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَ مَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۴۰:۹ غافر) (و آنان را از زشتی ها مصون دار! و هر کس را که در آن روز از زشتی ها مصون داری رحمت فرموده باشی، و این است همان رستگاری عظیم!)

# دوستی و شادی

## درجات مغفرت

• شیخ ابن عربی در فتوحات (الفتوحات المکیة، اربع مجلدات، ج ۳، ص ۱۷۹-۱۷۸) چنین می‌فرماید: ...

و بدان که یکی از درجات درجه مغفرت است، و آن دو درجه است. یکی ستر مذنبین است از اینکه عقوبت ذنوبشان به آنها برسد، و درجه دیگری ستر آنان است از اینکه ذنوب به آنها برسد، و این ستر ستر عصمت است. برای همین، در مورد یک ستر که مغفرت باشد، یک بار فرمود، "و قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ" (۴۰:۷ غافر) (محفوظ دار آنان را از عذاب دوزخ!)، و در مورد ستر دیگر مغفرت، فرمود، "و قِهِمُ السَّيِّئَاتِ" (۴۰:۹ غافر) (محفوظ دار آنان را از زشتی‌ها!)، و برای مغفرت ستر دیگری نیست. پس، ستیری که حائل است بین مذنب و عذاب ستر کرم و عفو و صفح و تجاوز است، و ستیری که حائل است بین عبد و ذنب ستر عنایت الهی و اختصاص و عصمت است که آن موجب خوفی یا رجاءیی، یا حیاءیی می‌شود. آن گونه که در مورد صهیب آمده است، "چه نیکو عبدی است صهیب! اگر هم از خدا نمی‌ترسید، معصیت نمی‌نمود." پس، [ابتداء] سبب عصمت او را از وجود معصیت خوفش معرفتی فرمود، ولی فرمود که اگر هم خوف نمی‌بود، حیاء از خدا تعالی مانع از آن می‌شد که زبان آنچه را در حقّ [غیر او ذنب است] به او نسبت دهد هر چند آن در حقّ او ذنب نمی‌بود زیرا او در کاری قرار نمی‌گرفت مگر آنکه برای او مباح گردیده باشد، و این غایت عنایت و عصمت است از تصرف در مباح.

# دوستی و شادی

## درجات مغفرت

- شیخ ابن عربی در فتوحات (الفتوحات المکیة، اربع مجلدات، ج ۳، ص ۱۷۸-۱۷۹) چنین می‌فرماید (ادامه): ... و أعظم معاصي آن است که قلوب بمیرند، و نمی‌میرند مگر به سبب عدم علم به خدا، و این همان است که جهل نامیده می‌شود زیرا قلب همان بی‌تی است که خدا از عالم انسانی برای خود برگزیده است، و این غاصب آن را از او غصب نموده است و حائل شده است بین آن و بین مالکش، پس باشد ظالم ترین مردم نسبت به خودش زیرا حرام ساخته است بر آن خیری را که می‌آمد بر آن از ناحیه صاحب این بیت اگر آن را ترك می‌کرد، این حرمان جهل است.
- در موضعی دیگر، بیان شیخ از این قرار است (الفتوحات المکیة، اربع مجلدات، ج ۳، ص ۱۶۶-۱۶۷):  
بر من نگذشته است در تجلی الهی امری حیرت انگیز تر و ضعیف کننده تر قوتم را و شدیدتر از این سخن ملائکه، "رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۴۰:۷ غافر) (پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است، پس مغفرت فرما راکه توبه کردند و راه تو را پیروی نمودند، و آنان را از عذاب دوزخ محفوظ دار!)، در حالی که خدای تعالی می‌فرماید، "ما عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ" (۹:۹۱ التوبة) (راهی برای مؤاخذة محسنین نیست!)، و کدامین احسان برتر است از آنکه ثواب (توبه) کرده است

# دوستی و شادی

## درجات مغفرت

• در موضعی دیگر، بیان شیخ از این قرار است (الفتوحات المکیة، اربع مجلدات، ج ۳، ص ۱۶۶-۱۶۷) (ادامه):  
و سبیل الله را پیروی نموده است؟!؛ و نیز سخن نوح- علیه السلام-، که از کمل اهل الله بود، "و لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا" (۲۸: ۷۱ نوح) (و [غفران فرما] برای هر که داخل خانه من شده است مومن) پس، این مانند آن است که چیزی باقی مانده است، و آن این است طلب مغفرت نکرد مگر برای مؤمن، و ذکر نکرد پیروی سبیل الله را زیرا مؤمن گاه مخالفت امر و نهی خدا می کند، حال آن که خدا خطاب به مسرفین بر خود می فرماید، "إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا" (۵۳: ۳۹ الزمر). این صنف از ملائکه در مقام ادب قرار گرفتند، و آن مقام بر آنها حکم نمود به آن کلام تا جناب الهی را بر خلق ترجیح دهند...

اما ولی کامل خدا می خواند به همه مقامات و زبان ها ولی رسل توقف می کنند نزد آنچه به آنها وحی شده است، و آنها کثیر می باشند. به بعضی از آنها وحی نموده است آنچه را به غیر آنها وحی نفرموده است. اما محمدی جمع می کند با مرتبه خود جمیع دعاء هایی که را متفرق بوده است در رسل. پس، او آزاد کننده دعاء است به همه زبانها زیرا او مأمور است به ایمان به رسل و به آنچه بر آنها نازل فرموده است.

# دوستی و شادی

## حقیقت مغفرت

• در موضعی دیگر، بیان شیخ از این قرار است (الفتوحات المکیة، اربع مجلدات، ج ۳، ص ۱۶۷-۱۶۶) (ادامه): پس، توقف نمی کند ولی محمدی نزد وحی ایی خاص مگر در حکم به حلال و حرام ولی در دعاء و آنچه از آن سکوت شده است و نازل نشده دستوری راجع به آن در شرع محمد- صلی الله علیه و سلم- اجازه ترکش داده شده است، ترکش نمی کند هنگامی که نازل شده است در مورد آن وحی بر نبی ایی از انبیاء- علیهم السلام- خواه رسول باشند یا غیر رسول...

• در جایی دیگر، شیخ ابن عربی چنین می فرماید (الفتوحات المکیة، اربع مجلدات، ج ۲، ص ۱۳۸):  
غفر ستر است. پس، ستر فرمود از انبیاء- علیهم السلام- در دنیا نایب رسول الله- صلی الله علیه وسلم- بودن را، و کشف نمود آن را بر ایشان در آخرت زیرا فرمود، "انا سید الناس يوم القيامة" پس، او- صلی الله علیه وسلم- شفاعت می فرماید آنها را هر چند آنها [خود] شفاعت می کنند، چرا که شفاعت او- صلی الله علیه وسلم- در هر حق هر مشفوعی به حسب اقتضای حال اوست از وجود شفاعت. پس، بشارت داد انبیاء را به مغفرت خاص، و بشارت داد محمد- صلی الله علیه وسلم- را به مغفرت عام. عصمت او اثبات شده است، پس او را ذنبی نیست تا غفران گردد. پس باقی نمی ماند اضافه ذنب به او مگر این که او مخاطب است ولی مقصود امت اوست ...

# دوستی و شادی

## بخشش خدای مهربان

• جملاتی از محمد بن عبد الجبار النفري:

وقال لي يا عبد اجعل ذنبك تحت رجلك واجعل حسنك تحت ذنبك. (ای عبد! گناهت را زیر پاهایت گذار و حسنات را زیر گناهانت!)

وقال لي إن أنزلتني في حسنك نزلت في سيئتك. (مرا گفت: ای عبد! مرا در حسنه ات قرار دهد من در گناهت قرار می گیرم!)

وقال لي الذنب الذي أغضب منه هو الذي أجعل عقوبته الرغبة في الدنيا والرغبة في الدنيا باب إلى الكفر بي فمن دخله أخذ من الكفر بما دخل. (مرا گفت: ای عبد گناهی که به سبب آن غضب کنم آن است که عقوبت آن را رغبت به دنیا قرار دهد، و رغبت به دنیا باب کفر به من است و هر کی داخل آن شود هر چه را از کفر به سوی او آید می گیرد!)

• و همچنین آمده است:

در سایه لطف او پناهی دارم  
طاعت اگر نیست، گناهی دارم

گر بر سر کوی دوست راهی دارم  
غم نیست که راه رفت و آمد باز است

# دوستی و شادی

## احتمالات انسانی

• **شاهدی روایی:** قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ ع قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قُولُوا إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ عَلَى طَاعَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ وَ عَلَى رَفْعِ شُرُورِ أَعْدَائِكَ وَ رَدِّ مَكَايِدِهِمْ وَ الْمُقَامِ عَلَى مَا أَمَرْتَ بِهِ وَ قَالَ ص عَنْ جَبْرِئِيلَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ فَاسْأَلُونِي الْهُدَى أَهْدِيكُمْ وَ كُلُّكُمْ فَقِيرٌ إِلَّا مَنْ أَعْنَيْتُ فَاسْأَلُونِي الْغِنَى أَرْزُقْكُمْ وَ كُلُّكُمْ مُذْنِبٌ إِلَّا مَنْ عَافَيْتُهُ فَاسْأَلُونِي الْمَغْفِرَةَ أَغْفِرْ لَكُمْ وَ مَنْ عَلِمَ أَنِّي ذُو قُدْرَةٍ عَلَى الْمَغْفِرَةِ فَاسْتَغْفِرْنِي بِقُدْرَتِي غَفَرْتُ لَهُ وَ لَا أُبَالِي (بحار الأنوار ط - بيروت، ج ٨٩، ص: ٢٥٣)

• **در قرآن کریم خداوند متعال فرموده است:** فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (٣٠: ٣٠ الروم)

• **حدیث نبوی:** حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يُوسُفَ، أَخْبَرَنَا مَالِكٌ، عَنْ أَبِي حَازِمٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ "لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَلُوا الْفِطْرَ". (صحيح بخارى)



# Friendship and Felicity

## Breaking of the Fast

- A narration from Prophet Muhammad (PBUH):

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يُوسُفَ، أَخْبَرَنَا مَالِكٌ، عَنْ أَبِي حَازِمٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ "لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا الْفِطْرَ". (صحيح بخارى)

Narrated Sahl bin Sa`d: Allah's Messenger (PBUH) said, "The people will remain on the right path as long as they hasten the breaking of the fast."

# Friendship and Felicity

## An Unfinishable Creature

- **With respect to this aspect of Human being, Martin Heidegger says (Being and Time, p.279-280):**

It is essential to the basic constitution of Dasein that there is constantly something still to be settled [eine ständige Unabgeschlossenheit]. Such a lack of totality signifies that there is something still outstanding in one's potentiality-for-Being. But as soon as Dasein 'exists' in such a way that absolutely nothing more is still outstanding in it, then it has already for this very reason become "no-longer-Being-there" [Nicht-mehr-da-sein]. Its Being is annihilated when what is still outstanding in its Being has been liquidated. As long as Dasein is as an entity, it has never reached its 'wholeness'. But if it gains such 'wholeness', this gain becomes the utter loss of Being in-the-world. In such a case, it can never again be experienced as an entity. The reason for the impossibility of experiencing Dasein ontically as a whole which is [als seiendes Ganzes], and therefore of determining its character

# Friendship and Felicity

## An Unfinishable Creature

- **With respect to this aspect of Human being, Martin Heidegger says (Being and Time, p.279-280) (cont.):**

ontologically in its Being-a-whole, does not lie in any imperfection of our cognitive powers. The hindrance lies rather in the Being of this entity. That which cannot ever be such as any experience which pretends to get Dasein in its grasp would claim, eludes in principle any possibility of getting experienced at all. But in that case is it not a hopeless undertaking to try to discern in Dasein its ontological totality of Being?

# دوستی و شادی

## عذر تقصیر به پیشگاه پروردگار کریم

• در فرازهایی از دعای سحرهای امام علی بن الحسین – علیه السلام – چنین آمده است (دعای ابو حمزه ثمالی):

... يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَيْنَ سَتَرْتُكَ الْجَمِيلُ أَيْنَ عَفُوْتُكَ الْجَلِيلُ أَيْنَ فَرَجْتُكَ الْقَرِيبُ أَيْنَ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ أَيْنَ رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ أَيْنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةُ أَيْنَ صَنَائِعُكَ السَّنِيَّةُ أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ أَيْنَ إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ أَيْنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ بِهِ [وَبِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ] فَاسْتَنْقِذْنِي وَ بِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمَلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ...